

مؤسسه بین‌المللی تحقیقات استراتژیک قرقیزستان، مسایل مربوط به آب در آسیای مرکزی، (به زبان روسی)، سال ۲۰۰۴، چاپ اول، ۱۴۲ صفحه.

کشورهای آسیای مرکزی از بدو استقلال با مسایل مربوط به آب و اکولوژی، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مشکلات مبتلا به، روبرو بوده‌اند. منشاء این مشکلات را باید در اقدامات شوروی سابق برای غلبه بر طبیعت سنتی کشاورزی و آبیاری این مناطق و پروژه‌های علمی بلندپروازانه‌ای جستجو کرد که در بسیاری مواقع و موارد نه‌تنها نتیجه مورد نظر از آنها حاصل نشد، بلکه صدمه‌ای که به زمین‌های کشاورزی و اکولوژی منطقه وارد آورد تا به امروز گریبانگیر این کشورهاست.

پس از فروپاشی شوروی، موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی، و نیز وابستگی‌های تاریخی، این جمهوری‌ها را در متن سیاست کشورهای دور و نزدیک و به‌ویژه آمریکا وارد کرد، و علاوه بر گسیختگی و ضعف‌های اقتصادی باقیمانده از دوران سابق، فشار رقابت‌های سیاسی را نیز به آنها تحمیل نمود، به‌طوری‌که مسایل مربوط به تقسیم آب و اکولوژی تحت‌الشعاع آن قرار گرفت. ۵ کشور آسیای مرکزی (ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، و ازبکستان) کشورهایی کشاورزی‌اند که توسعه آنها بدون حل مشکلات مربوط به آب و مسایل اکولوژی با مانعی بزرگ روبروست، اما تلاش برای رفع این مانع با موانع بیشتری مواجه می‌شود که آن را به کلافی بازنشدنی تبدیل کرده است. در این میان شاید مطالعه وضعیت این جمهوری‌ها، تجزیه و تحلیل روابط آنها،

نمایاندن مسایل و ارائه راهکارهای معقول و ممکن، بتواند بهترین اقدام در حل این معضل باشد. این همان کاری است که کتاب «مسایل مربوط به آب در آسیای مرکزی» به آن پرداخته است. این کتاب در سال ۲۰۰۴ توسط انستیتوی بین‌المللی تحقیقات استراتژیک قرقیزستان با همکاری اداره اطلاعات اجتماعی آن کشور و حمایت و مشارکت مؤثر بنیاد فردریش ابرت به زبان روسی با یک مقدمه و دو بخش کاملاً متمایز، در ۱۴۲ صفحه به چاپ رسیده است.

در بخش اول با ارائه تاریخچه‌ای از روابط مربوط به آب در آسیای مرکزی و وضعیت این روابط در دوران استعمار روسیه و نیز در فاصله سالهای ۶۵-۱۹۱۸، به پیدایش اولین منبع اختلاف یعنی حق مالکیت نسبت به آب پرداخته و واقعیتهای منطقه‌ای سیستم توزیع آب، قانونمند کردن آن، توسعه سیستمهای آبی، پرداخت آب بهاء، توأم کردن منافع آبیاری و انرژی در منطقه، دورنمای اکولوژی منطقه، و واقعیت حمایت سازمانهای بین‌المللی را در مقاله‌های جداگانه مورد بحث قرار داده است.

بخش دوم کتاب تحت عنوان «نتایج تحقیقات جامعه‌شناسی مسایل مربوط به آب منطقه، حاوی نتایج نظرخواهی است که در سال ۲۰۰۳ از متخصصین ۴ کشور آسیای مرکزی (به استثنای ترکمنستان) به عمل آمده و شامل ۳۵ نمودار و ۱۱ جدول در بیان، برآورد کلی وضعیت فعلی در منطقه، وجود یا عدم وجود برداشت مشترک نسبت به تقسیم آب، ساختار اقتصاد آبی در آینده، لزوم همکاری منطقه‌ای برای حفظ محیط زیست، اعتماد نسبت به ساختار اجرایی فعلی و برآورد نقش سازمانهای بین‌المللی می‌باشد.

بخش پایانی کتاب پس از نتیجه‌گیری، حاوی پرسشنامه‌ای مرکب از ۵۶ سؤال است که درج آن فرصتی برای علاقمندان و دست‌اندرکاران مسایل منطقه‌ای فراهم آورده تا با تکمیل آن و ارائه نظرات خودگامی را که با انتشار این کتاب در جهت نمایاندن مشکلات آبی منطقه و رفع آن برداشته شده سریعتر نمایند. در زیر رئوس مطالب اصلی کتاب اشاره می‌شود:

در مقدمه ضمن اشاره بر اهمیت آب در دنیای امروز که موجب شده تا مجمع عمومی

سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۳ را بطور سمبولیک سال آب شیرین اعلام نماید به وضعیت آب در جهان و مشکلات و کمبودهای آن پرداخته و پیچیدگی روابط بین کشورهای آسیای مرکزی را ناشی از موقعیت آبی مناسب آنها در دنیای کم آب امروز دانسته است.

در مبحث پیدایی روابط آبی در آسیای مرکزی، آب، مهمترین عامل ظهور اولین کانون‌های تمدن در این ناحیه توصیف شده و سیستم‌های آبیاری بوجود آمده در آن زمان که پس از گذشت هزار سال هنوز مورد استفاده قرار دارند شرح داده شده است. در این قسمت تأکید بر این است که بر خلاف فاصله قرون ۱۴-۱۱ میلادی، دوره تسلط اعراب دوره تسلط تحول زمین‌های زراعتی و رشد سیستم‌های آبیاری بوده و علت توجه زیاد به آب و آبیاری را فهم این واقعیت از سوی حاکمان فتوودالیسم عنوان کرده که می‌دانستند اگر می‌خواهند بر کشور حکومت کنند اول باید بدانند که آب را چگونه اداره نمایند. همین امر موجب اصلی توجه به احداث سدها و کانال‌ها و فعالیت دائمی برای بهبود آنها بوده است.

در بخش مربوط به دوره استعمار روسیه که از سال ۱۸۶۰ در ناحیه ترکستان آغاز شد ضمن شرح سیاستهای استعماری این کشور که آن را با استعمار فرانسه و انگلستان متفاوت ندانسته به نقش و تأثیر روسیه در توسعه فرهنگ، ارزشها و توسعه اقتصادی ترکستان پس از گذشت ۵۰ سال از حضور روسیه در آن ناحیه پرداخته و با ذکر مواردی که تأییدی بر این مدعا است اشاره می‌کند که لازم است در مطالعه منابع و تحقیقاتی که در زمان شوروی در این رابطه انجام شده دقت شود. نویسنده در ارتباط با حوادث و شورهای ترکستان که در فاصله ۱۹۰۶-۱۸۷۲ علیه دولت تزاری صورت گرفت عامل آن را صرفاً مسایل اجتماعی، از جمله بیرون کردن اهالی محلی از زمینهای خود، توزیع مجدد آن بین مهاجران استانه‌های غربی روسیه، روسی کردن سریع ترکستان، بی‌سوادی مردم و تحریکات روحانیون فتوودال که به آن دامن می‌زده است، عنوان و علاوه می‌کند که بر طبق نظر محققان این شورش‌ها به هیچ وجه جنبه ناسیونالیستی نداشته است.

در مبحث دیگری به وضعیت آبیاری در فاصله سالهای ۱۹۱۸، یعنی یک سال پس از انقلاب اکتبر، تا ۱۹۶۵ پرداخته شده و ماحصل آن این است که انگیزه و توجه حکومت جدید به مسئلهٔ زراعت و آبیاری در ترکستان و ایجاد ایستگاههای برق آبی که از مشخصات این دوره ذکر شده بیشتر جلوگیری از فروپاشی اقتصادی ناشی از جنگ اول و جنگ بزرگ میهنی و نه توسعه ترکستان بوده است.

حاصل نهایی تمام این فعالیتها ظرف ده سال (۱۹۲۳-۱۹۱۳) کاهش زمینهای زراعتی از ۴ به ۲/۲ میلیون هکتار بود و در سال ۱۹۲۸ میزان آن به سطح سال ۱۹۱۳ یعنی قبل از جنگ جهانی اول رسید. در این قسمت برنامه‌های ۵ ساله اول (۳۲-۱۹۲۸)، برنامهٔ پنجساله دوم (۳۷-۱۹۳۲) و دورهٔ سازندگی مردمی «(۴-۱۹۳۸) تشریح شده است. تلاش توأم با فداکاری مردم در این سالها از نقطه نظر کتاب حاضر، نه ناشی از بلوغ سیاسی و علاقه به انقلاب، بلکه امید به آینده‌ای بوده که هزار سال برای آن صبر کرده بودند و می‌توانستند قدری دیگر هم صبر کنند. آسیای مرکزی در طول جنگ جهانی دوم تولیدکنندهٔ اصلی غذا بود، نتیجه این فداکاری‌ها که زمینهای زراعتی آن را به  $\frac{1}{3}$  کاهش داد، برنامهٔ پنجسالهٔ ۵۲-۱۹۴۶، توسعه زمینهای زیر کشت و بویژه پیشرفت صنایع سنگین، سخت شدن سیاست خارجی به لحاظ جنگ سرد و نیاز به فداکاری دوباره و کار بی‌وقفه از دیگر مسایل مطروحه در این بخش است. تحت عنوان جنجال اصلاح زمین به مقایسه رودخانه‌های آسیای مرکزی و اروپا پرداخته شده است. یعنی در حالی که رودخانه‌های مزبور تا اوایل قرن بیستم آلوده بودند، اکولوژی آسیای مرکزی تا سال ۱۹۶۰ حفظ شده بود. علت این امر علاوه بر کیفیت فعالیتهای صنعتی از رسوم مربوط به احترام به آب نشأت می‌گرفت، (با وجودی که پس از انقلاب اکتبر این سنت‌ها به پای خرافات گذاشته شد).

تصمیمات متخذه در نیمه دوم ماه مه حزب کمونیست در سال ۱۹۶۰ که از شرق دور تا کارپات و مخصوصاً آسیای مرکزی را شامل می‌شد و تا سال ۱۹۸۰ ادامه داشت، نتایج آن که

علی‌رغم یک توسعه اولیه و افزایش زمینهای زراعتی در نهایت به بیابانی شدن آسیای مرکزی انجامید، تغییراتی که افزایش میزان آب سدها در رودخانه‌های آمودریا و سیر دریا بوجود آورد و نتیجه آن که موازنه اکوسیستم منطقه آرال را به هم زد، در این بخش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از نظر نویسندگان، این اقدامات خطای استراتژیک در شوروی بوده که با صرف میلیاردها روبل و یک ربع قرن کار تأثیرات مثبتی همراه نداشت. موضوع انتقال آب سیبری به آسیای مرکزی، سیستم برنامه‌ریزی متمرکز، تقسیم نتایج کار به تساوی میان کشاورزان که از سوی یکی از نویسندگان روسی به تئوری «دیگ مشترک» معروف شده و در نهایت موجب شکل نگرفتن روابط آبی در جمهوری‌های آسیای مرکزی گردید و مشکلات ناشی از این سیاست که هنوز پس از فروپاشی شوروی کاملاً محسوس است، از دیگر مطالب این قسمت از کتاب بوده و تأکید می‌شود که پیوستن صوری جمهوری‌های آسیای مرکزی به کنوانسیون‌ها، جدی نبودن کمک‌دهندگان بین‌المللی در کمک به تنظیم روابط آبی بین این جمهوری‌ها بجای برگزار کردن سمینارها، به جاماندن توده‌ای از ادعاهای مالی بی‌قاعده در بین این کشورها به دلیل از میان رفتن ضامن اجرای تعهدات (شوروی) و مشکلات ناشی از فروپاشی مانند، اقتصاد بازار، مواد مخدر، بیکاری و .... سدهایی است که مانع تحول در این منطقه می‌شود.

مشکلات زیست‌محیطی سیستم آب‌رسانی منطقه، موضوع بخش دیگری از کتاب است که کمبود بودجه و عدم پایبندی این کشورها به تعهدات و قراردادهای منعقدہ فیما بین علت اصلی عدم موفقیت در آن ذکر شده است. کهنه شدن سیستم لوله‌کشی و سد دریاچه‌ها و خطراتی که از پسمانده کارخانه‌های غنی‌سازی اورانیوم، جیوه و سایر عناصر شیمیایی در صورت وقوع سیل و زلزله متوجه مردم منطقه خواهد شد و می‌توان مقیاس آن را با فاجعه چرنوبیل مقایسه کرد از دیگر مواردی است که در این قسمت مورد بحث قرار گرفته می‌گیرد. توصیه نویسندگان برای حل این مشکلات اجرای طرح‌های کوچک به جای طرح‌های عظیم و پرخرجی مثل طرح نجات حوضه دریاچه آرال است.

نگهداری از مخازن آب توکتوگولسکویه و اختلافات ناشی از آن بین سه کشور قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان موضوع مقاله تلفیق منافع سیستم آبیاری و نیروگاههای تولید انرژی در منطقه است. از یک سو قرقیزستان متهم به استفاده سیاسی از این مخزن آب است و از سوی دیگر برای این کشور هم مفهوم نیست که چرا باید خرج نگهداری مخازنی را بدهد که دیگران از آن استفاده می‌کنند.

حق مالکیت آب، اولین منبع مخالفت عنوان بخش دیگر کتاب است. در این قسمت برای حل اختلافاتی که بین کشورهای آسیای مرکزی وجود دارد به قراردادهای بین کشورهای مختلف در اروپا و یا آمریکا و سوابقی که از قدیم در استفاده از این رودخانه‌های مشترک رعایت شده اشاره می‌کند. روح اصلی این قراردادها استفاده از آب در محدوده یک کشور بدون متضرر کردن کشور دیگر است که قوانین کشورهای آسیای مرکزی نیز با آن تضادی ندارد، (بین فرانسه و سوئیس، آمریکا و مکزیک، ترکیه و سوریه) ایده کنسرسیوم فراملی در مورد آب (پیشنهاد قزاقستان)، و مشکلات ناشی از آن، اقدام ترکمنستان در ساختن دریاچه طلایی که تعادل آبی منطقه را به هم زده بی توجهی به اصل مورد توافق فوق‌الذکر است، نقض دائم شرایط مورد توافق جمهوری‌ها در مورد تقسیم آب، بی توجهی قرقیزستان به رعایت رژیم آبیاری سنتی و سپردن کار به کارشناسان بجای کمیسیون‌ها و بنیادهای بین‌المللی از دیگر بحث‌ها در این قسمت است. تقسیم منابع آب و عینی کردن آن در مقاله‌ای دیگر در کتاب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با آنکه ۴ کشور آسیای مرکزی در سال ۲۰۰۲ توافقی را برای حفظ سیستم تقسیم آب بجای مانده از شوروی سابق امضا کرده‌اند، لیکن به دلیل تأثیر مسایل جوی در جریان آب رودخانه‌ها، تعیین سهمیه سالانه با مشکلاتی روبروست که نیازمند راه‌حل است. مورد افغانستان که به دلیل وقایع حادث در این کشور از کمتر از سهمیه خود استفاده نموده نیز از مسائل مورد اشاره در این بخش می‌باشد. با آنکه امروزه پرداخت آب‌بها در بیشتر کشورهای دنیا، در هر کدام به نوعی، مرسوم می‌باشد، لیکن چنین سیاست‌هایی در بین کشورهای آسیای

مرکزی وجود ندارد و در بعضی موارد که برخی از اعضا اقدام به گذراندن قوانینی که با حقوق بین‌الملل هم منافات ندارد می‌نمایند با عکس‌العمل دیگر کشورهای منطقه روبرو می‌شوند. این موضوع تحت عنوان پرداخت آب‌بها از دیگر موضوعاتی است که بخشی از کتاب به آن پرداخته است.

در خاتمه این سؤال مطرح شده که در اواسط قرن ۲۱ کدام اصل تقسیم آب در منطقه پذیرفته خواهد شد؟ نسبت جمعیت، یا نوع جدیدی از «دیگ مشترک»؟ یا برتری هر یک از کشورها؟ قسمت اعظم آب در کدام سرزمین شکل خواهد گرفت؟ (منطقه‌ای که تشکیل جریان آب در آن مطرح است، تاجیکستان، قرقیزستان، دامنه کوه‌های ازبکستان، قزاقستان جنوبی و در حد کمی ترکمنستان)، نتیجه متخذه با توجه به تمامی مسائل و مشکلات حاکی از مشهود بودن اولین نشانه‌های دستیابی به سازش موقتی در موارد مورد اختلاف می‌باشد، پیشنهاد شده است: از آنجا که فعلاً روابط برادرانه بین این کشورها وجود ندارد، بهتر این است که برای جلوگیری از به هم خوردن روابط همسایگی، هرگونه هزینه کشور دیگر عادلانه جبران شود. چنین اقدامی بین قزاقستان، قرقیزستان در مورد رودخانه چووتالاس (سال ۲۰۰۰) به امضا رسیده و مانعی نیست که تحت عنوان استراتژی آبی منطقه‌ای در یک اعلامیه چندجانبه نیز گنجانده شود. چنانچه آب براساس «سهامیه ملی» تقسیم شود دیگر تاجیکستان و قرقیزستان نخواهند توانست تقاضای اضافی داشته باشند و یا در عین حال سهم خود را به همسایه‌های دیگر واگذار نمایند. مسلماً نیازهای اقتصادی در آینده بر مسائل سیاسی برتری خواهد یافت و تم کالای اقتصادی بودن آب در مورد موازنه بین عرضه و تقاضا پذیرفته خواهد شد.

بخش دوم: این بخش حاوی نتایج تحقیقات جامعه‌شناسی در رابطه با مسائل مربوط به آب در منطقه و نظرخواهی از ۶۹ کارشناس و محقق در چهار کشور آسیای مرکزی می‌باشد. این نظرخواهی با توجه به مسائلی که در بخش اول کتاب عنوان شده در حقیقت مکملی برای نشان دادن نقطه‌نظرات و سیاست‌های چهار کشور مذکور است.

مجموعاً ۱۷ جدول و ۳۵ نمودار مشخص‌کننده نتایج این نظرخواهی است. در یک جدول تعداد شرکت‌کنندگان از هر یک از ۴ کشور به علاوه ارگانی که در آن مشغول کارند و نوع تخصص آنها نشان داده شده است. تعداد متخصصین، طرحهای تئوری و عملی در سطح بالا و در سطح مساوی و یا در ارتباط با فعالیتهای جامعه‌شناسی موضوع جدول شماره ۲ است. جدول شماره ۳ روشن می‌کند که آسیای مرکزی به طور کلی با چه مسایلی سیاسی، اجتماعی و تکنیکی روبروست. موضوع سئوالات ناظر بر تعیین درجه فقر، اشتغال، مسایل آب، جهانی شدن، رشوه، مواد مخدر، توسعه دموکراسی، درجه قوت و یا ضعف همکاری‌های منطقه‌ای، اصلاحات بازار، صنعت و یا عدم همگرایی اقتصادی در منطقه می‌باشد. درصدهای جدول گویای آن است که برای ازبکستان (۹۳٪) و قزاقستان، (۵٪) مسایل مربوط به آب که آن را در رشد اقتصادی و اجتماعی این کشور خود اساسی می‌داند و نیز مسایل اکولوژی بسیار مهم است. در حالی که اهمیت این مسایل برای تاجیکستان و قرقیزستان سه برابر کمتر است. ضمناً نگاهی به مجموع درصدهای مربوط به هر سؤال روشن می‌کند که موضوع جهانی شدن با (۱/۱۵٪) کمترین اهمیت را در این کشورها به خود اختصاص داده است.

در مجموع، اکثر متخصصین از نارسایی پایگاههای حقوقی، مؤثر نبودن مکانیسم‌های همکاری‌های منطقه‌ای و مسایل اقتصادی و اکولوژی ناراحت‌اند، اما تغییر ساختار مصرف آب در ارتباط با دورنمای رشد، درخواست آب برای افغانستان و یا شرکت ارگان‌های غیردولتی در اداره منابع آبی فعلاً بی‌اهمیت می‌نماید. مسایل مربوط به دریای آرال نیز در حال حاضر چندان مهم نیست. (۱۲٪) نمودارهای مربوطه حاکی از آن است که قزاقستان و ازبکستان اصول سنتی مربوط به تقسیم آب را تأیید می‌کنند لیکن تاجیکستان و قرقیزستان با آن موافق نیستند. اکثر متخصصین جدا از تعلقات حکومتی لازم می‌دانند که حجم کلی مصرف آب با توجه به منافع کشور همسایه مشخص شود.

نسرین دخت نصرت- مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز